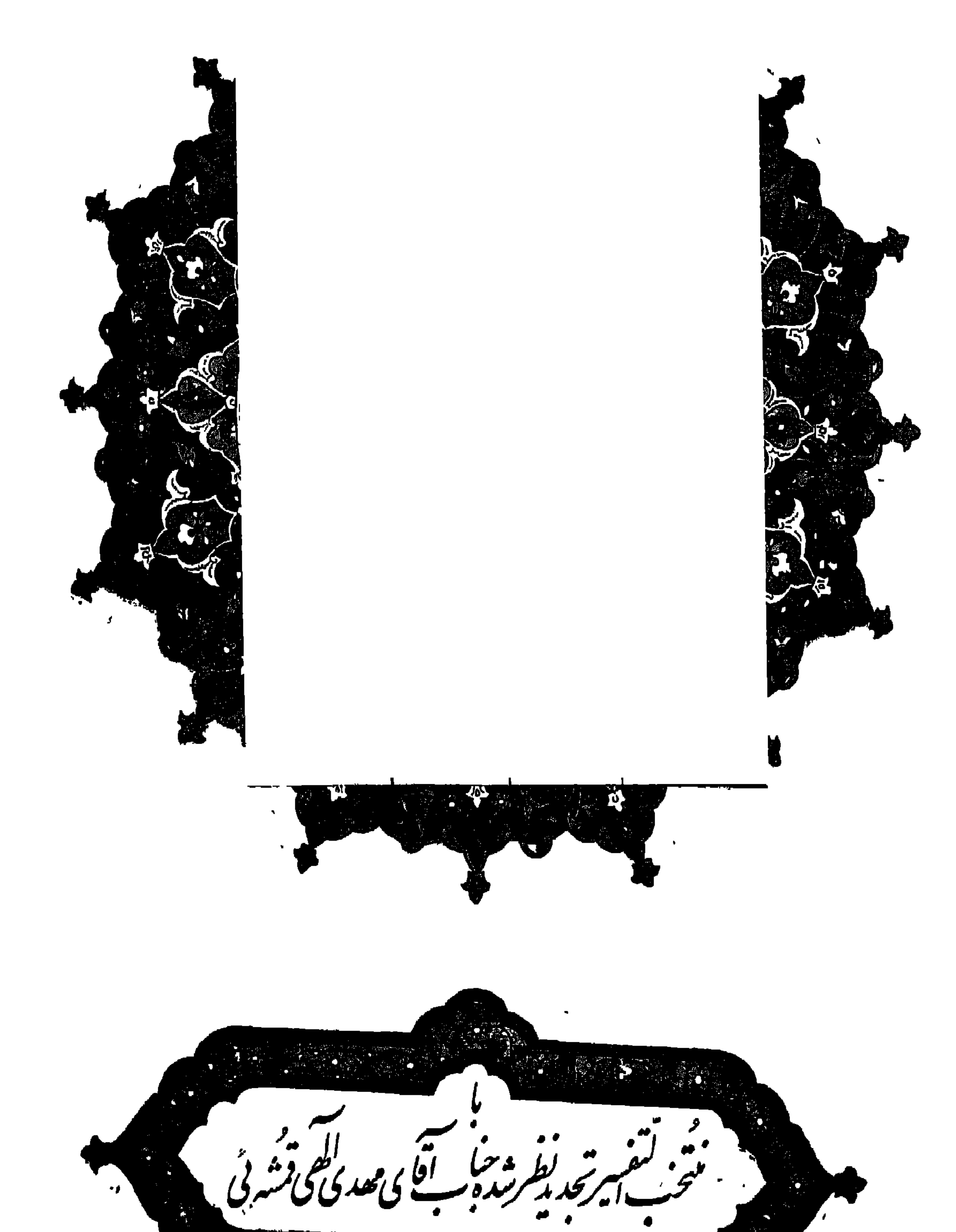
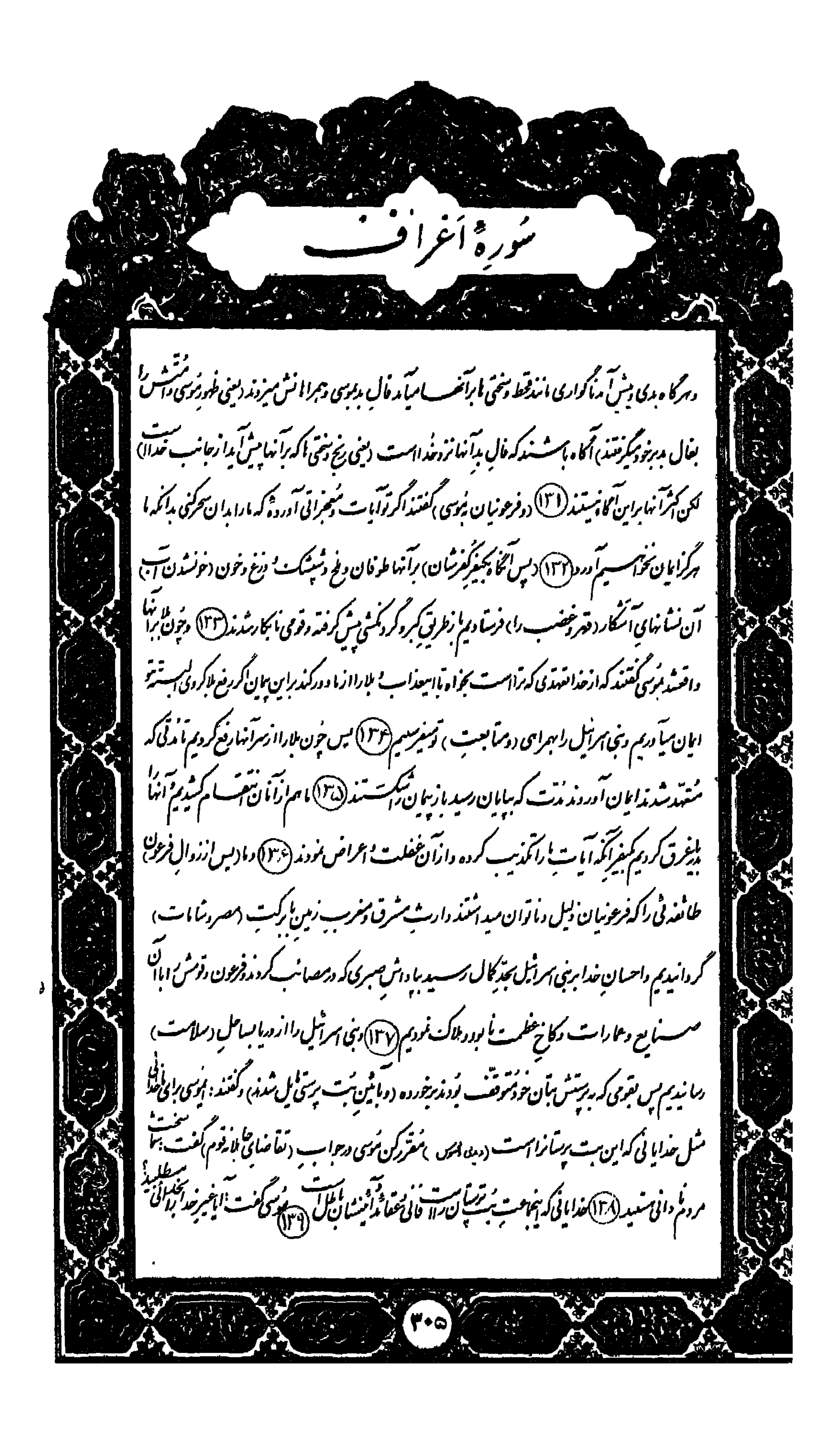
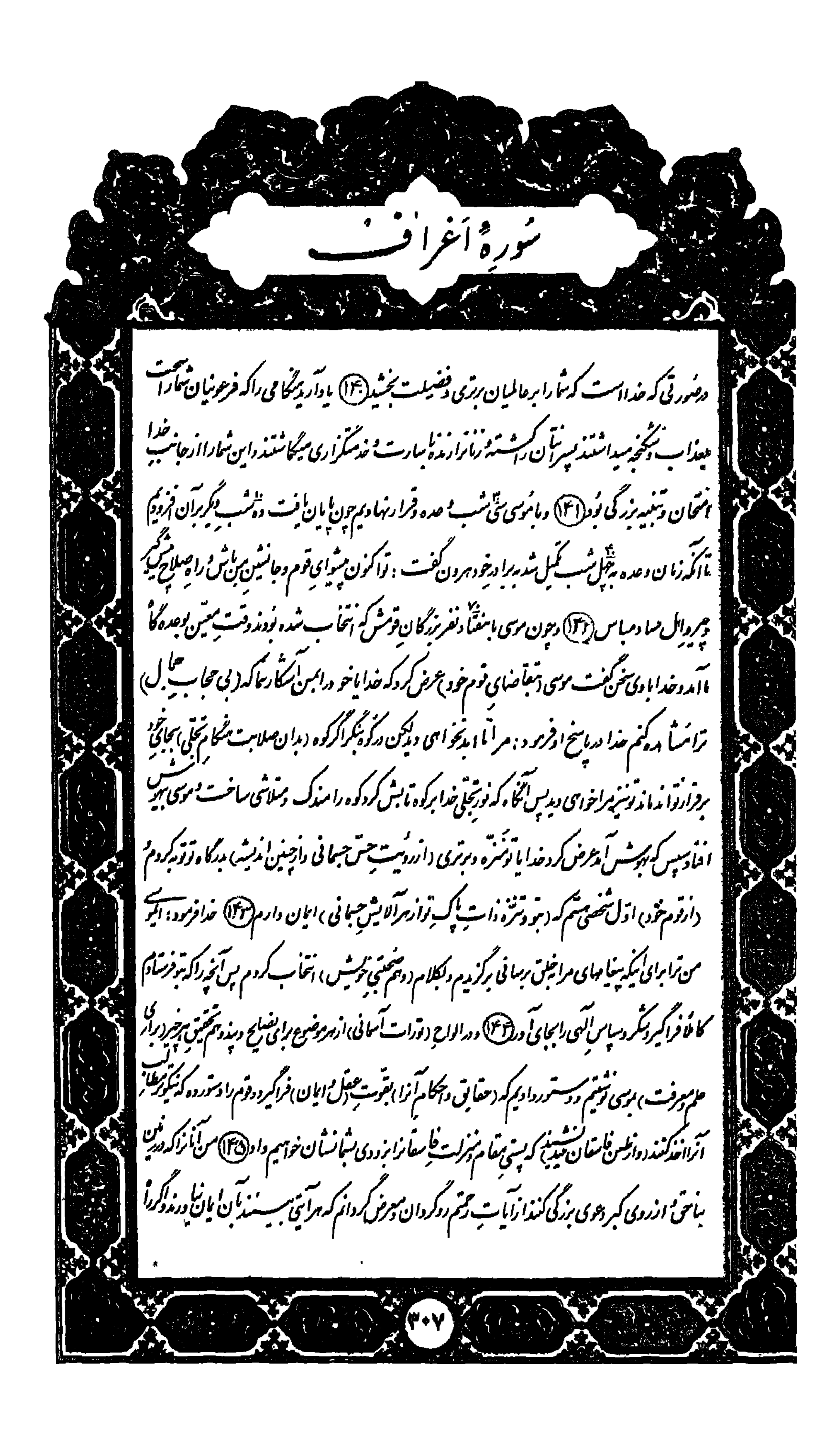

منتخب التفسیر تجدید نظر شده با جناب آقای مهدی الهی قمشه‌ای



سورهٔ اعراف

و هرگاه بدی و پیش آمد ناگواری مانند قحط و سختی با برآنها میآمد فال بد بموسی و همراهانش میزدند (یعنی ظهور موسی و اتباعش را
بفال بد بر خود میگرفتند) آگاه باشند که فال بد آنها نزد خدا است (یعنی رنج و سختی ها که بر آنها پیش آید از جانب خدا است)
لکن اکثر آنها بر این آگاه نیستند (۱۳۱) (و فرعونیان بموسی) گفتند اگر تو آیات و معجزاتی آورده که ما را بدان سحر کنی بدانکه ما
هرگز ایمان نخواهیم آورد (۱۳۲) (پس آنگاه بکیفر کفرشان) بر آنها طوفان و ملخ و شپشک و وزغ و خون (خون شدن آب)
آن نشانهای آشکار (قهر و غضب را) فرستادیم باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفته و قومی نابکار شدند (۱۳۳) و چون بلا بر آنها
واقع شد بموسی گفتند که از خدا بعهدی که تراست بخواه تا این عذاب و بلا را از ما دور کند بر این پیمان اگر رفع بلا کردی البته بتو
ایمان میآوریم و بنی اسرائیل را بهمراهی (و متابعت) تو میفرستیم (۱۳۴) پس چون بلا را از سر آنها رفع کردیم تا مدتی که
متعهد شدند ایمان آورند مدت که بپایان رسید باز پیمان را شکستند (۱۳۵) ما هم از آنان انتقام کشیدیم آنها را
بدریا غرق کردیم بکیفر آنکه آیات ما را تکذیب کرده و از آن غفلت و اعراض نمودند (۱۳۶) و ما (پس از زوال فرعون)
طائفه‌ئی را که فرعونیان ذلیل و ناتوان میداشتند وارث مشرق و مغرب زمین با برکت (مصر و شامات)
گردانیدیم و احسان خدا بر بنی اسرائیل بحد کمال رسید بپاداش صبری که در مصائب کردند و فرعون و قومش را با آن
صنایع و عمارات و کاخ عظمت نابود و هلاک نمودیم (۱۳۷) و بنی اسرائیل را از دریا بساحل (سلامت)
رسانیدیم پس بقومی که به پرستش بتان خود متوقف بودند برخورده (و بآئین بت پرستی مایل شدند) و گفتند: ای موسی برای ما خدائی
مثل خدایانی که این بت پرستان راست (دینی محسوس) مقرر کن موسی در جواب (تقاضای جاهلانه قوم) گفت: شما سخت
مردم نادانی هستید (۱۳۸) خدایانی که اینجماعت بت پرستان راست فانی و معتقدات آنها باطل است (۱۳۹) موسی گفت: آیا غیر خدا برای شما خدائی بطلبید؟

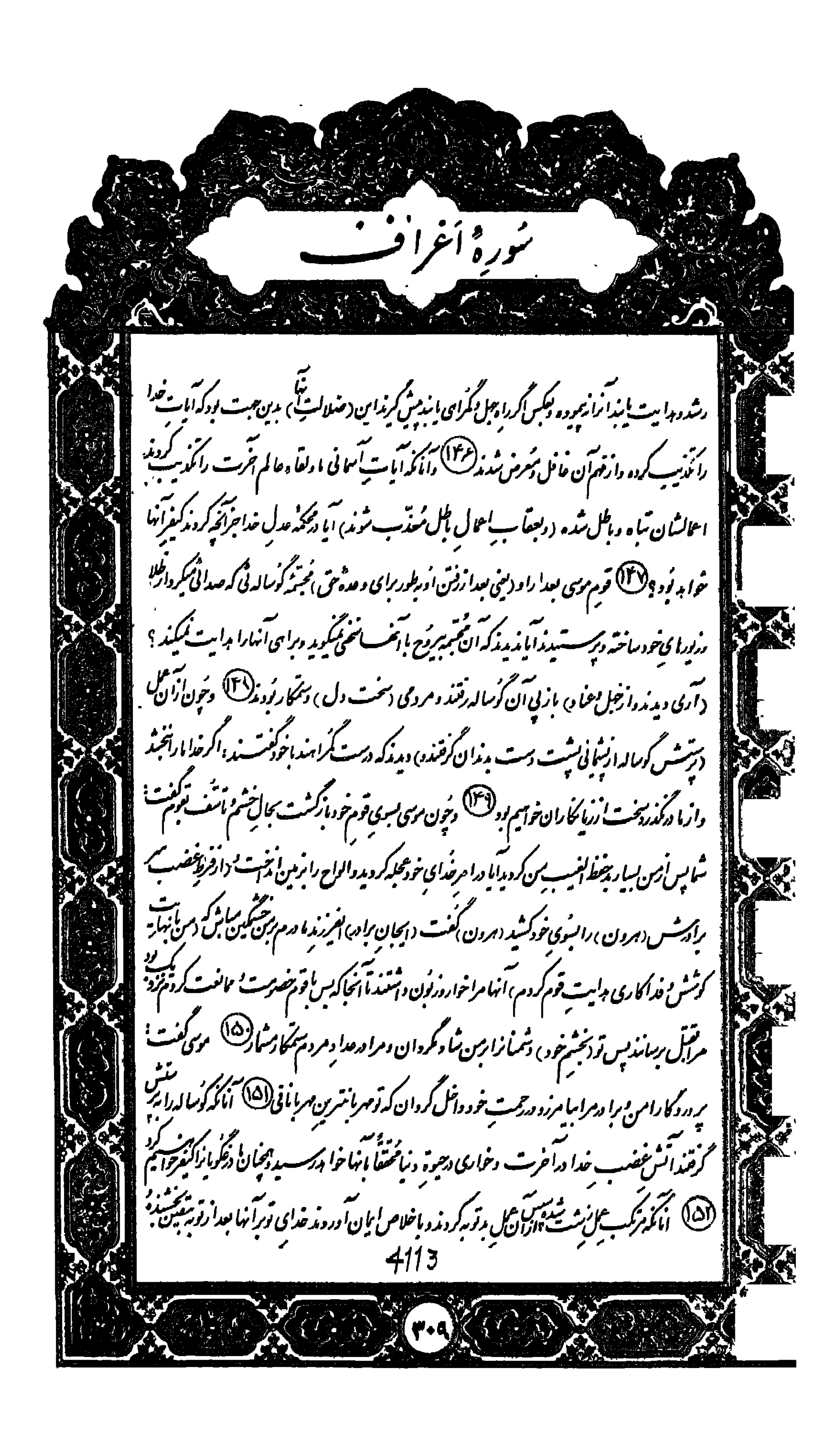


در صورتی که خدا است که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید (۱۴۰) یاد آرید هنگامی را که فرعونیان شما را بسختی
عذاب و شکنجه میداشتند پسرانتان را کشته و زنانرا زنده باسارت و خدمتگزاری میگماشتند و این شما را از جانب خدا
امتحان و تنبیه بزرگی بود (۱۴۱) و با موسی سی شب وعده و قرار نهادیم چون پایان یافت ده شب دیگر بر آن افزودیم
تا آنکه زمان وعده به چهل شب تکمیل شد به برادر خود هرون گفت: تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیشگیر
و پیرو اهل فساد مباش (۱۴۲) و چون موسی با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب شده بودند وقت معین بوعده گاه
ما آمد و خدا با وی سخن گفت موسی (بتقاضای قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را بمن آشکار نما که (بی حجاب جمال)
ترا مشاهده کنم خدا در پاسخ او فرمود: مرا تا ابد نخواهی دید لیکن در کوه بنگر اگر کوه (بدان صلابت هنگام تجلی) بجای خود
برقرار تواند ماند تو نیز مرا خواهی دید پس آنگاه که نور تجلی خدا بر کوه تابش کرد کوه را مندک و متلاشی ساخت و موسی بیهوش
افتاد سپس که بهوش آمد عرض کرد خدایا تو منزه و برتری (از رؤیت حس جسمانی و از چنین اندیشه) بدرگاه تو توبه کردم و
(از قوم خود) اول شخصی هستم که (بتو و منزه ذات پاک تو از هر آلایش جسمانی) ایمان دارم (۱۴۳) خدا فرمود: ای موسی
من ترا برای اینکه پیغامهای مرا بخلق برسانی برگزیدم و بکلام (و هم صحبتی خویش) انتخاب کردم پس آنچه را که بتو فرستادم
کاملا فراگیر و شکر و سپاس الهی را بجای آور (۱۴۴) و در الواح (تورات آسمانی) از هر موضوع برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز (برای
علم و معرفت) بموسی نوشتیم و دستور دادیم که (حقایق و احکام آنرا) بقوت (عقل و ایمان) فراگیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب
آنرا اخذ کنند (و از طعن فاسقان نشنوند) که پستی مقام و منزلت فاسقانرا بزودی بشما نشان خواهیم داد (۱۴۵) من آنانرا که در زمین
بناحق و از روی کبر دعوی بزرگی کنند از آیات رحمتم روگردان و معرض گردانم که هر آیتی ببینند بآن ایمان نیاورند و اگر راه



سُورَةُ الأَعْرَاف

وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ
وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً
وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ
هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَ
لَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ
لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي
فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ
سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ
عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ
الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً
وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا
سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ

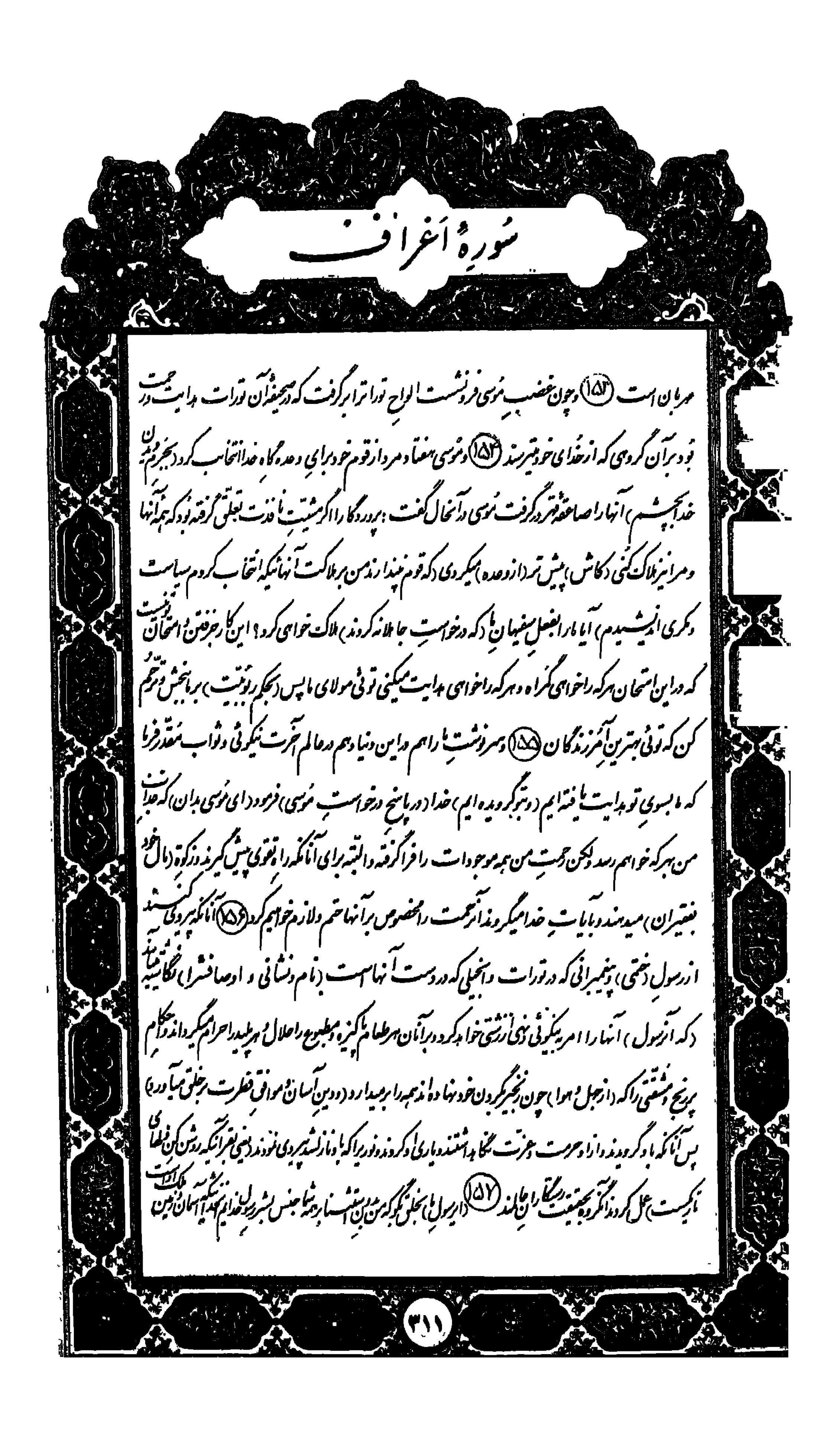


رشد و هدایت یابند آنرا نپیموده و بعکس اگر راه جهل و گمراهی یابند پیش گیرند این (ضلالت آنها) بدین جهت بود که آیات خدا
را تکذیب کرده و از فهم آن غافل و معرض شدند (۱۴۶) و آنانکه آیات آسمانی ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند
اعمالشان تباه و باطل شده (و بعقاب اعمال باطل معذب شوند) آیا در محکمه عدل خدا جز آنچه کردند کیفر آنها
خواهد بود؟ (۱۴۷) قوم موسی بعد از او (یعنی بعد از رفتن او بطور برای وعده حق) مجسمه گوساله ئی که صدائی میکرد از طلا
و زیورهای خود ساخته و پرستیدند آیا ندیدند که آن مجسمه بیروح با آنها سخنی نمیگوید و براهی آنها را هدایت نمیکند؟
(آری دیدند و از جهل و عناد) باز پی آن گوساله رفتند و مردمی (سخت دل) و ستمکار بودند (۱۴۸) و چون از آن عمل
(پرستش گوساله) از پشیمانی پشت دست بدندان گرفتند و دیدند که در دست گمراهند با خود گفتند: اگر خدا ما را نبخشد
و از ما در نگذرد سخت از زیانکاران خواهیم بود (۱۴۹) و چون موسی بسوی قوم خود بازگشت بحال خشم و تأسف بقوم گفت:
شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید آیا در امر خدای خود عجله کردید و الواح را بزمین انداخت و از فرط غضب سر
برادرش (هرون) را بسوی خود کشید (هرون) گفت (ای جان برادر) ای فرزند مادرم بر من خشمگین مباش که من با نهایت
کوشش و فداکاری هدایت قوم کردم، آنها مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که پس با قوم خصومت و ممانعت کردم نزدیک بود
مرا بقتل برسانند پس تو (بخشم خود) دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در عداد مردم ستمکار مشمار (۱۵۰) موسی گفت:
پروردگارا من و برادرم را بیامرز و در رحمت خود داخل گردان که تو مهربانترین مهربانانی (۱۵۱) آنانکه گوساله را به پرستش
گرفتند آتش غضب خدا در آخرت و خواری در حیوة دنیا محققاً بآنها خواهد رسید و همچنان ما دروغگویان را کیفر خواهیم کرد
(۱۵۲) آنانکه مرتکب عمل زشت شدند سپس از آن عمل بد توبه کردند و با خلاص ایمان آوردند خدای تو بر آنها بعد از توبه بخشنده

4113



الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾
وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ
لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۘ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا
سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ
يَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ
أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى
الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي
وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ
وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا
السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ



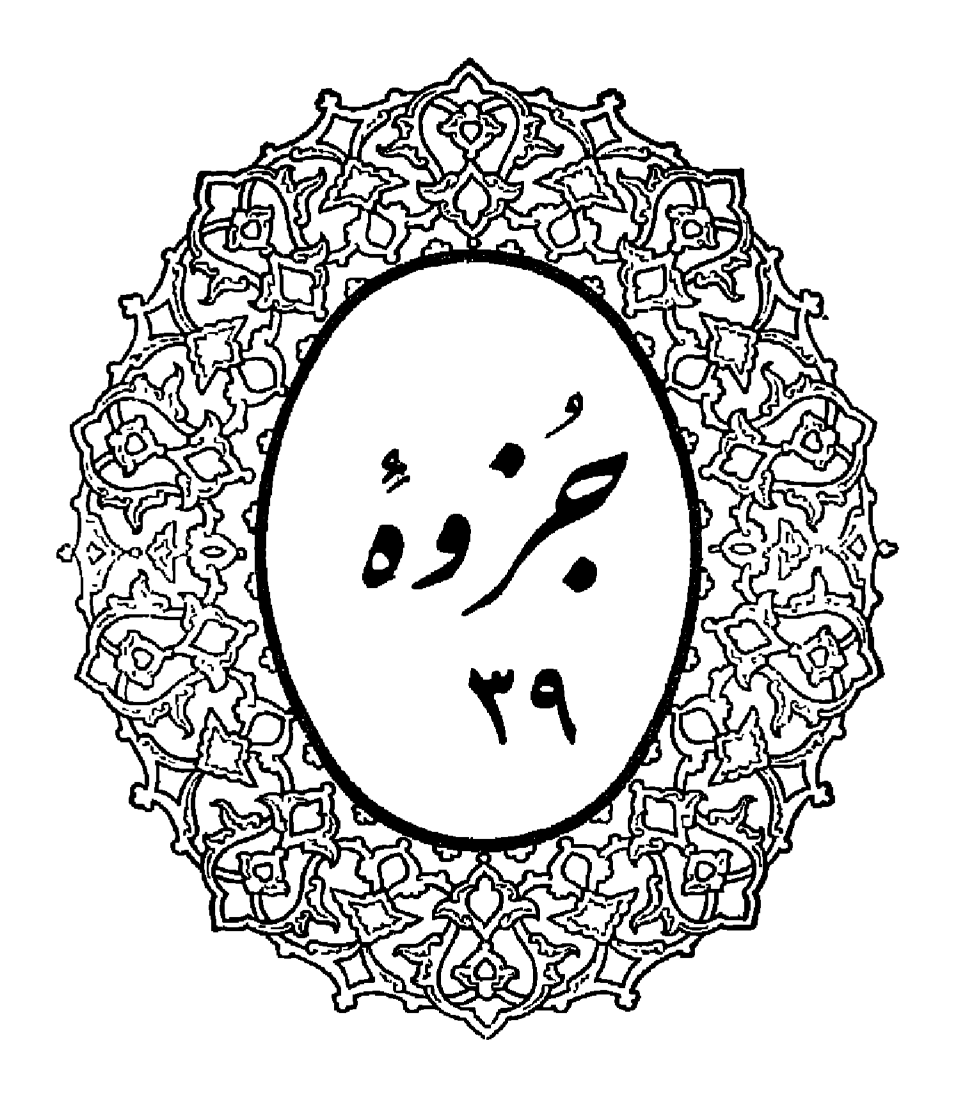
مهربان است ﴿۱۵۳﴾ و چون غضبِ موسی فرو نشست الواحِ تورات را برگرفت که در صحیفهٔ آن تورات هدایت و رحمت
بود بر آن گروهی که از خدای خود میترسند ﴿۱۵۴﴾ و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه خدا انتخاب کرد (بجرم دیدن
خدا بچشم) آنها را صاعقهٔ قهر درگرفت موسی در آنحال گفت: پروردگارا اگر مشیّتِ نافذت تعلّق گرفته بود که همهٔ آنها
و مرا نیز هلاک کنی (کاش) پیش تر (از وعده) میکردی (که قوم نپندارند من بر هلاکت آنهائیکه انتخاب کردم سیاست
و مکری اندیشیدم) آیا ما را بفعلِ سفیهانِ ما (که درخواستِ جاهلانه کردند) هلاک خواهی کرد؟ این کار جز فتنه و امتحانِ تو نیست
که در این امتحان هرکه را خواهی گمراه و هرکه را خواهی هدایت میکنی توئی مولای ما پس (بحکم ربوبیّت) بر ما ببخش و ترحّم
کن که توئی بهترینِ آمرزندگان ﴿۱۵۵﴾ و سرنوشتِ ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت نیکوئی و ثواب مقدّر فرما
که ما بسوی تو هدایت یافته‌ایم (و بتو گرویده‌ایم) خدا (در پاسخ درخواستِ موسی) فرمود (ای موسی بدان) که عذابِ
من بهرکه خواهم رسد و لکن رحمتِ من همه موجودات را فرا گرفته و البتّه برای آنانکه راه تقوی پیش گیرند و زکوة (مال خود
بفقیران) میدهند و بآیاتِ خدا میگروند آن رحمت را مخصوص بر آنها حتم و لازم خواهیم کرد ﴿۱۵۶﴾ آنانکه پیروی کنند
از رسولِ (ختمی) و پیغمبرانی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشانی و اوصافش را) نگاشته می‌یابند
(که آن رسول) آنها را امر به نیکوئی و نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید را حرام میگرداند و احکام
پر رنج و مشقّتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردن خود نهاده‌اند همه را بر میدارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد)
پس آنانکه باو گرویدند و از او حرمت و عزّت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که باو نازل شد پیروی نمودند (یعنی بقرآنکه روشن کن ظلماتی
تاریکیست) عمل کردند آنگروه بحقیقت رستگاران عالمند ﴿۱۵۷﴾ (ای رسول ما) بخلق بگو که من بر همهٔ شما جنس بشر رسولِ خدایم آن خدائیکه آسمان و زمین ملک اوست



رحيم ﴿١٥٣﴾ ولما سكت عن موسى الغضب أخذ الألواح وفي نسختها هدى
ورحمة للذين هم لربهم يرهبون ﴿١٥٤﴾ واختار موسى قومه سبعين
رجلا لميقاتنا فلما أخذتهم الرجفة قال رب لو شئت أهلكتهم
من قبل وإياي أتهلكنا بما فعل السفهاء منا إن هي إلا فتنتك
تضل بها من تشاء وتهدي من تشاء أنت ولينا فاغفر لنا وارحمنا
وأنت خير الغافرين ﴿١٥٥﴾ واكتب لنا في هذه الدنيا حسنة وفي الآخرة
إنا هدنا إليك قال عذابي أصيب به من أشاء ورحمتي وسعت كل
شيء فسأكتبها للذين يتقون ويؤتون الزكوة والذين هم بآياتنا
يؤمنون ﴿١٥٦﴾ الذين يتبعون الرسول النبي الأمي الذي يجدونه
مكتوبا عندهم في التورىة والإنجيل يأمرهم بالمعروف وينهاهم
عن المنكر ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبائث ويضع
عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم فالذين آمنوا به و
عزروه ونصروه واتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون ﴿١٥٧﴾
قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعا الذي له ملك



ٱلسَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِۦ وَيُمِيتُ فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ
ٱلنَّبِيِّ ٱلْأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِٱلْحَقِّ وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾
وَقَطَّعْنٰهُمُ ٱثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ
ٱسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهُۥٓ أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ فَٱنۢبَجَسَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا
عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْغَمَامَ وَ
أَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ كُلُوا۟ مِن طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا
وَلٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ ٱسْكُنُوا۟ هٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ
وَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ وَٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ
لَكُمْ خَطِيٓـَٔتِكُمْ سَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ
قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟
يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾ وَسْـَٔلْهُمْ عَنِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ ٱلْبَحْرِ إِذْ
يَعْدُونَ فِي ٱلسَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ
لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾ وَإِذْ



اخگر

نشریه و چاپخانه

نشانی تلگرافی : تهران - اخگر

نشانی پستی : میدان ژاله خیابان بهزادی تلفن ۳۷۵۸۸